



## سخنرانی در همایش قوه قضاییه

شهید بهشتی، معمار بزرگ قانون اساسی / سابقه آشنایی با شهید بهشتی / جلسات مستمر هفتگی با شهید بهشتی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، شهید باهنر، مقام معظم رهبری و... / تأسیس دبیرستان دین و دانش / اداره مدرسه علوی / فراگیری حاشیه ملاعبده الله در محضر شهید بهشتی / اهتمام شهید بهشتی به تربیت جوانان / صبوری و خستگی ناپذیری شهید بهشتی در برابر مشکلات و اتهامات / شهید بهشتی، مظلوم‌ترین شخصیت انقلاب اسلامی / خاطره آخرین دیدار با شهید بهشتی / پشتیبانی شهید بهشتی از استعفا / صبر و پایداری در برابر توهین‌ها و اتهامات، آموزه شهید بهشتی / ۱- عبور از روزهای دشوار آغاز انقلاب / ۲- جنگ تحمیلی / روزهای دشوار جنگ / کمبود سلاح و مهمات / خوشحالی مسئولین از یافتن تعدادی خمپاره ۶۰ در انبارهای شیراز / تجهیز عراق به مدرن‌ترین سلاح‌های روز / ۳- تحریم‌ها / آثار و تبعات جنگ تحمیلی / پشتیبانی و همراهی مردم در همه مراحل انقلاب / عزم دولت یازدهم برای جبران آثار تحریم / ناخرسندی دشمنان انقلاب از حل برخی مشکلات / وضعیت بخرنج اشتغال در سال‌های ۸۵ - ۹۲ / رکود اقتصادی بی‌نظیر هنگام آغاز به کار دولت یازدهم / سکوت برخی رسانه‌ها در مورد رکود در سال‌های قبل از دولت یازدهم / مقایسه بیکاری، تورم و رشد اقتصادی در دولت‌های دهم و یازدهم / سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی مردم، بزرگترین حامی دولت / ثبات قیمت از مرهون اعتماد مردم به دولت / برگزاری بهترین انتخابات در منطقه / انتخابات ۹۶؛ انتخاباتی پرشور و بی‌حاشیه / لزوم عبور از رقابت‌های انتخاباتی / مشکلات امروز کشور، مشکلات نظام / نفرت دشمنان ایران از اتحاد مردم / قابلیت و توانایی ایران برای رقابت با کشورهای شرقی آسیا علیرغم جنگ و تحریم و... / نارضایتی ناز مقایسه یک شعبه از قوه قضاییه با کل قوه قضاییه و تقسیم کلی آن / قوه قضاییه عهده‌دار بیشتری بار برای اجرای عدالت / ملت، لقمه‌کننده قسط و عدل / مسئولیت رئیس‌جمهور در خصوص اجرای قانون اساسی و ارتباط بخشی از قانون اساسی با قوه قضاییه / ضرورت تعامل، همکاری و اتحاد قوا / لزوم گرفتن بهانه از دشمن / شاخصه‌های یک سیاست خارجی موفق / عدم تأیید مواضع امریکا در خصوص موشک‌های ایران توسط دیگر اعضای شورای امنیت / لغو تحریم‌های هسته‌ای / حمایت اروپا، روسیه و چین از مواضع ایران در برابر امریکا و اسرائیل و عربستان در خصوص موضوع / مفهوم انقلابی بودن در عرصه بین‌الملل / اجرای قانون اسلام در خصوص مجرمان / تقدم ادله بر احضار / فعالیت در دستگاه قضا مستلزم فداکاری، تحمل و شجاعت / رویکردهای یکسان و منصفانه قاضی به احکام برائت و محکومیت / تساوی در برابر قانون / پرهیز ضابطین از نگاه حزبی به مسائل قضایی / استمداد از قوه قضاییه برای همکاری در مشکلات مربوط به اقتصاد، محیط‌زیست، آب و... / همکاری قوای مجریه و قضاییه برای مبارزه با فساد، شفاف‌سازی و ایجاد دولت الکترونیک / انتشار برخی دادنامه‌ها در فضای مجازی و روزنامه‌ها / استقبال از انتقادهای سازنده رسانه‌ها / حضور اندیشمندی آگاه به فقه و مقتضیات زمان در رأس قوه قضاییه / تعطیلی بعضی از روزها در دستگاه‌های قضایی برخی کشورها / واگذاری بخشی از کار قضا به دستگاه‌های دیگر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين  
لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط

هفته قوه قضاييه را به مسئولين عالي رتبه اين قوه، همه قضات و کارکنان شريف اين قوه مهم و رياست محترم قوه  
قضاييه تبریک و تهنيت عرض می‌کنم.

یاد می‌کنیم از معمار بزرگ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوه قضاييه اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی  
یعنی شهید آیت الله دکتر بهشتی و همه یاران با وفایی که در کنار ایشان جان به جان آفرین تسلیم کردند.  
بی تردید شهید بهشتی جزو چهره‌های استثنایی حوزه علمیه قم، علما و اندیشمندان و مدیران بزرگ کشور بودند.  
ویژگی‌های خاص خود داشتند. من حدود ۲۱ سال، از سال ۱۳۴۰ تا پایان زندگی مبارکشان، از نزدیک با ایشان آشنا بودم.  
همواره هم در همه جلسات و ملاقات‌ها سخنان، تدبیر و مدیریت ایشان به حق درس آموز بود.

در سال ۵۸ جلسات مستمر هفتگی داشتیم که آیت الله بهشتی، مقام معظم رهبری، مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی،  
شهید باهنر و تعدادی از بزرگان نظام در آن جلسات هفتگی شرکت می‌کردند. معمولاً مسائل هفته در آن جلسه مورد  
بررسی قرار می‌گرفت. جزو سال‌های سخت بعد از پیروزی انقلاب بود و این جلسات تا تشکیل مجلس شورای اسلامی،  
یعنی خرداد سال ۵۹، ادامه داشت. بعد تبدیل شد به همان جلساتی که با نمایندگان مجلس، برخی از وزرا و مسئولین  
کشور در محل حزب جمهوری اسلامی تشکیل می‌شد.

مرحوم شهید بهشتی از آغاز فعالیتی که من شاهد آن بودم (در آغاز دههٔ چهل) هم به فکر تربیت دانش آموزان ویژه در  
آن دبیرستان دین و دانش قم بود و هم در فکر تأسیس یک مدرسه دینی با ویژگی‌هایی که او برای طلاب آن عصر و  
زمان لازم می‌دانست.

ایشان ابتدا در سال‌های ۴۰ و ۴۱ مسئولیت مدرسه ای را به نام مدرسه علوی به عهده داشت که در آنجا علاوه بر دروس  
حوزوی، دروس دیگری هم تدریس می‌شد؛ ریاضیات، تاریخ، محاورهٔ زبان عربی و بسیاری از دروسی که در آن مدرسه  
توسط اساتید تدریس می‌شد. خود ایشان هم درسی را متکفل و عهده دار بود به نام سیره النبی که تاریخ زندگی پیامبر  
عظیم الشان اسلام را هفته ای یک بار صبح‌های پنج شنبه البته یک جلسهٔ طولانی دو سه ساعته بود توضیح می‌داد.  
گاهی هم برخی از درس‌های مدرسه را ایشان به دلایلی به عهده می‌گرفت.

ما کتاب حاشیه ملا عبدالله، اولین کتاب منطقی که طلاب می‌خوانند، را از محضر ایشان استفاده کردیم و ایشان تدریس  
می‌کرد. البته ایشان مکاسب را هم در حوزه در همان مقطع تدریس می‌کرد.

ایشان فردی بود بسیار دقیق در زمینه تربیت جوان‌ها بود برای مدیریت آینده کشور و طلاب جوان برای توانمندی در  
برابر نیازهای زمان در عصری که با آن مواجه بودیم. از وقتی هم که نهضت اسلامی شروع شد، از سال ۴۱، همواره

ایشان به عنوان یکی از فضلا و مدرسین بنام حوزه علمیه قم در کنار امام راحل بود.

بعد از پیروزی انقلاب هم بار بسیار سنگینی را بر دوش گرفت و واقعاً صبر ایشان به گونه ای بود که دیگر صبر خسته شده بود. خود ایشان خسته نمی شد؛ با آن همه اتهامات آن روزگار در سال های ۵۸ و ۵۹ تا روز شهادتش. واقعاً کمتر مظلومی را [مثل ایشان] در تاریخ بعد از انقلاب اسلامی مشاهده می کنیم؛ البته تا زمان حیات ایشان، به قول آن مرحوم بزرگوار ما که از ایشان نقل کرد آسیاب به نوبت. بعد نوبت دیگران هم فرا رسید ولی آن زمان یعنی سال های ۵۸ و ۵۹ مظلوم ترین شخصیت بنام انقلاب اسلامی بود.

من آخرین باری که ایشان را از نزدیک زیارت کردم چهارشنبه هفته قبل از شهادت ایشان بود؛ یعنی هفتم تیر شهادت ایشان بود و فکر می کنم سوم تیر روز چهارشنبه ملاقات مفصلی با ایشان داشتم، یک ساعت قبل از نماز، بعد با هم نماز خواندیم، بعد با هم ناهار خوردیم و بعد از ناهار باز هم یک ساعتی ماندم.

الان کاملاً یادم هست که در آن جلسه چه بحث هایی در محضر ایشان مطرح شد. من فقط یک نکته را از آن جلسه می گویم. آن جلسه مربوط می شود به چند روز قبل از شهادت ایشان. ایشان به من فرمود فلانی من چند ماه پیش خدمت امام (ره) رفته بودم و قصد من این بود که استعفای خود را تقدیم ایشان کنم. رفتم نشستیم، داشتیم در محضر امام (ره) صحبت می کردیم، جمعیت زیادی در حسینیه جمع شده بودند و برای امام (ره) شعار می دادند؛ درود بر خمینی یا هر شعار دیگری؛ صدای مردم در حسینیه بلند بود و ما در اتاقی که نشسته بودیم صدا کاملاً به گوش می رسید.

ایشان گفت قبل از اینکه مسئله استعفا را مطرح کنم، امام (ره) به مناسبتی به من گفت: آقای بهشتی! می بینی مردم در این حسینیه چه می گویند. گفتم: بله، امام (ره) فرمود: فلانی اگر همه مردم ایران شعارشان این باشد، یعنی مثلاً درود بر خمینی یا شعار همه مردم ایران مرگ بر خمینی باشد برای من فرق نمی کند. مرحوم بهشتی گفت: من وقتی این جمله را شنیدم دیگر خجالت کشیدم که بخواهم مسئله استعفای خودم را مطرح کنم، بحث دیگری را مطرح کردم.

روح بلند امام (ره) این چنین شاگردانی را هم در محضر خود پرورش می دهد. در همان جلسات هفتگی سال ۵۸ حوادث زیادی مطرح می شد، از جمله توهین هایی که به خود ایشان می شد. یادم هست یک بار در جمعی، توهینی که آن زمان به مقام معظم رهبری شده بود کم کم تبدیل شده بود به یک جریان طبیعی که بزرگان نظام در کوچه و خیابان و حتی در اجتماعات بزرگ، گاهی در دانشگاه ها و گاهی در مساجد مورد توهین قرار بگیرند. اما شهید بهشتی صبر کرد، سعه صدر از خود نشان داد و به ما آموخت که هر چیزی را برای انقلاب، نظام و استحکام نظام مان به راحتی تحمل کنیم و بدانیم اگر کسی اخلاص داشت و برای خدا تلاش کرد، هرچه احمز، او افضل؛ افضل الاعمال احمزها؛ هرچه مشکل تر باشد، خداوند اجر و مزد بیشتری را به ما عنایت خواهد کرد.

مراحل دشوار انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی و نظام اسلامی ما روزهای بسیار سختی را پشت سر گذرانده؛ از آن سال های اول انقلاب که گروهک ها تلاش می کردند نگذارند انقلاب ما استقرار پیدا کند. البته قدرتهای بزرگ هم حامی آنها بودند اما مردم ما در کنار رهبری، در کنار امام (ره) ایستادند و از آن روزهای سخت عبور کردیم. البته قربانی های فراوانی هم دادیم، از شهید مطهری - رضوان الله علیه - گرفته تا شهید بهشتی تا شهید مفتاح و دیگر شهدا. اما راه را ادامه دادیم و مردم ما هم پشت سر انقلاب، نظام، امام (ره) و رهبری ایستادگی کردند.

دومین معضل ما جنگ تحمیلی بود. جنگی بر ما تحمیل شد از طرف بیگانگان، البته به ظاهر یک کشور همسایه به ما

حمله کرد اما پشت قصه بسیاری از قدرت‌ها و ابر قدرت‌ها بودند.

هشت سال سخت‌ترین روزها را گذراندیم. روزهایی بود که حتی [محتاج] یک سلاح سبک ساده کلاشینکف بودیم. هیچ وقت یادم نمی‌رود در هفته‌های اول جنگ که از کشوری یک هواپیما کلاشینکف آوردیم و چقدر همه خوشحال بودیم که یک هواپیما کلاشینکف رسیده چون تفنگ معمولی که در اختیار سربازان ما بود ۳ بود که سنگین بود و کار با آن سخت بود. کلاشینکف سلاحی سبک‌تر نسبت به آن بود و راحت‌تر می‌شد با آن در میدان جنگ تحرک داشت.

من از مهر ماه و آبان همراه تعدادی از مسئولین نظامی و عده‌ای از نمایندگان مجلس مسئول بررسی همه انبارهای نیروهای مسلح و زاغه‌های مهمات بودم. می‌خواهم شرایط سخت آن روز را بگویم. ما همه زاغه‌های مهمات و انبارها را بررسی و بازدید کردیم، آمارها را دیدیم. سپاه پاسداران آن روز در میدان جنگ بود، کمیته‌های انقلاب در میدان جنگ بودند. اینها گاهی به یک سلاح سبک و معمولی نیاز داشتند ولی نبود. مثلاً خمپاره ۶۰ خیلی داوطلب داشت برای اینکه خمپاره‌ای بود که به راحتی می‌شد روی دوش گرفت و حتی بدون پایه می‌شد از این خمپاره استفاده کرد. البته بردش کوتاه بود.

همه آمارهای ما می‌گفت که ما خمپاره ۶۰ در انبار نداریم. آمارهای ما در تهران این را می‌گفت و ما وقتی در شیراز در یک زاغه مهمات خمپاره پیدا کردیم، از آنجا تلفنی با آقای هاشمی رفسنجانی صحبت کردم و گفتم خمپاره ۶۰ را پیدا کردیم. شما باور نمی‌کنید که همه مسئولین و همه رزمنده‌های ما چقدر خوشحال شده بودند که ما خمپاره ۶۰ پیدا کردیم.

می‌خواهم بگویم که شرایط ما یک چنین شرایطی بود و از آن طرف مدرن‌ترین سلاح‌ها را در اختیار دشمنان ما قرار دادند. میراژ اف وان را وسط جنگ تحویل عراق دادند. میگ ۲۵ را وسط جنگ تحویل عراق دادند. سوپراتاندارد را وسط جنگ تحویل عراق دادند. موشک‌های برد بلند را وسط جنگ تحویل عراق دادند. اول جنگ عراق مقداری سلاح شیمیایی داشت ولی سلاح‌های خطرناک شیمیایی را وسط جنگ در اختیار عراق گذاشتند.

ما هم با مظلومیت ایستادگی کردیم جنگیدیم و این مرحله دوم مشکل دوران انقلاب ما بود.

مشکل سوم دوران انقلاب ما، طراحی برای فشار و تحریم کشورمان بود. جنگ هشت ساله تمام شد. البته هنوز آثار جنگ وجود دارد. هنوز از لحاظ حقوقی همه مسائل جنگ حل نشده. هنوز بعد از حدود ۳۰ سال برخی از حقوقی که باید عملیاتی و اجرایی شود، نشده. هنوز دفتر سی بی سی تشکیل نشده. هنوز ارون رود لایروبی نشده. هنوز همه ابعاد قرارداد ۱۹۷۵ اجرا نشده است. طبیعی است، ممکن است آثار یک جنگ هشت ساله سی سال چهل سال باقی بماند تا همه آثارش برطرف شود. جنگ‌ها این چنین است، معضلات بین‌المللی این چنین است، یک روزه حل نمی‌شود.

تا ما رفتیم برای استقرار نظامان کار را به پایان برسانیم، جنگ بر ما تحمیل شد. تا رفتیم آثار جنگ را بزدایم و کشور آرامش پیدا کند، تحریم را بر ما تحمیل کردند. البته احتمال اینکه جنگ را هم می‌خواستند بر ما تحمیل کنند بالا بود. در سال ۸۲ داشتند ما را به شورای امنیت سازمان ملل می‌بردند. همان زمانی که امریکایی‌ها می‌خواستند به ایران یا عراق حمله کنند. در تردید بودند.

حالا، من الان به آن تاریخ کار ندارم، به هر حال از آن عبور کردیم و بالاخره در نهایت تحریم را بر ما تحمیل کردند. تحریم هم سختی‌های خودش را دارد. مثل دوران جنگ ایستادگی و مقاومت می‌خواهد. در همه این مراحل این مردم بودند که تحمل کردند، ایستادند و پشت نظام را خالی نکردند.

جنگ آثاری دارد. این آثار سال‌ها طول دارد تا تمام شود. تحریم آثاری دارد. این آثار سال‌ها طول می‌کشد تا تمام شود. امروز و تقریباً از آغاز دولت یازدهم در شرایطی هستیم که می‌توانیم بگوییم شرایطی است که اگر همه دست به دست هم دهیم و اگر نگذاریم توطئه دیگران کارگر بیفتد، ان‌شا‌الله به حول و قوه‌الهی می‌توانیم تا پایان قرن و ورود به قرن جدید تا حد زیادی مشکلات گذشته را جبران و حل و فصل کنیم.

حل برخی از مشکلات مورد خواست بدخواهان و دشمنان انقلاب نیست. آنها هر روز داستانی را برای ما می‌سازند و از هر داستانی سریالی را برای ما تولید می‌کنند و سریالی پشت سریالی دیگر. برای اینکه ذهن و فکر ما از مسائل اصلی جدا شود و ما مشغول مسائل فرعی شویم.

بعد از سال‌ها شرایط بیکاری سخت، حدود هشت سال آمار شغل خالص در ایران تقریباً صفر بوده، این حادثه مهمی است و چون از آن عبور کردیم یا به تدریج داریم عبور می‌کنیم، دارد یادمان می‌رود. یادمان می‌رود از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۲ اشتغال خالص ما تقریباً صفر بود، در شرایطی که بیشترین بیکار را داشتیم.

یادمان می‌رود که آغاز دولت یازدهم و اوایل سال ۹۲ ما با رکود بی نظیر در تاریخ کشور رو به رو بودیم؛ یعنی رشد اقتصادی منهای حدود هفت (۶/۸ -) بود. امروز بعضی‌ها از رکود حرف می‌زنند، اشکال ندارد، آن روز کجا بودند؟ در سال ۹۱ که رشد منفی ۶/۸ داشتیم چطور از بیان شریفشان، از روزنامه‌ها، سایت‌ها و رسانه ملی کلمه رکود را کمتر می‌شنیدیم؟ و حالا که از رکود عبور کرده‌ایم؛ رشد اقتصادی سال ۹۵ ما طبق مرکز آمار به اضافه ۸/۳ و طبق نظر بانک مرکزی به اضافه ۱۲/۵ است؛ حالا که شرایط چنین شده تازه عده‌ای کلمه رکود را یاد گرفته‌اند که ادا بفرمایند!

اگر همین سه شاخص را در نظر بگیریم، بیکاری، رشد اقتصادی و تورم. تورم ما چند بود؟ بالای چهل درصد در اواسط سال ۹۲ (شروع دولت یازدهم). ما امروز از همه اینها یک قدم فاصله گرفته‌ایم. هنوز شرایط ما شرایط خوبی نیست. هنوز رونق اقتصادی به اندازه کافی نداریم، هنوز اشتغال ما تا آنچه نیاز ماست خیلی فاصله دارد. اشتغال ما در بهار سال ۹۶، ۷۰۳ هزار اشتغال است. البته این آمار فصل بهار است، ممکن است فصل‌های بعد و تا پایان سال کمتر یا بیشتر شود اما حتی اگر آمار ما تا پایان سال هم هفتصد هزار اشتغال جدید باشد باز هم بسیار عقب هستیم تا به نقطه مطلوب برسیم. در این راه چکار می‌توانیم کنیم؟ هیچ چیز بالاتر از اعتماد عمومی مردم و سرمایه اجتماعی نیست. اگر مردم نسبت به دولت و یا خدای ناکرده نسبت به نظام اعتمادشان کم و سست شود و در تردید قرار بگیرند، نمی‌توانیم از مشکلات عبور کنیم. مردم ما باید به دولت اعتماد داشته باشند؛ دولت به معنی خاص و عام کلمه.

علت اینکه ما توانستیم در این چهار سال قیمت ارز را نسبتاً متعادل در بازار نگه داریم به خاطر اعتماد مردم به دولت است. وقتی رئیس بانک مرکزی می‌گوید عجله نکنید، قیمت ارز بالا نمی‌رود. اگر چهار هزار تومان شده این چند روز بیشتر نیست، بر می‌گردد و مردم هم اعتماد می‌کنند و هجوم به بازار کم می‌شود و قیمت ارز به ۳۷۰۰ تومان برمی‌گردد، به خاطر اعتماد مردم است. روزهایی هم بود که هرچه رئیس بانک مرکزی می‌گفت مردم به عکس عمل می‌کردند. اعتماد مردم اساس کار است.

ما از یک آزمایش بسیار بزرگی پیروز خارج شدیم. ما بهترین انتخابات را در این منطقه برگزار کردیم، به یمن حضور مردم، به هوشیاری مردم، به تدبیر دقیق رهبر معظم انقلاب. یک کار بزرگ کردیم، همه باید خوشحال باشیم. یک انتخابات بزرگ را به پا کردیم، همه هم شریک بودیم و کار کردیم و شما قضات، مسئولین امور قضاییه، شورای نگهبان، دولت، مردم، دانشگاه و حوزه همه آمدیم، همه در کنار هم آمدیم. حالا دوران رقابت و ویژگی‌های خاص خودش را دارد و

من راجع به آن دوران اصلاً نمی‌خواهم صحبت کنم آن دوران تمام شده.

ما در مجموع یک انتخابات بسیار پرشور، با نشاط و کم حاشیه داشتیم؛ در یک خیابان یک شهر این طرف ستادهای چند تا از کاندیداها بود، رو به روی آن ستاد رقیب بود، من در چند شهر دیدم که درست رو به روی هم؛ اینها شعار می‌دادند، آنها شعار می‌دادند؛ اینها پرچم داشتند، آنها هم پرچم داشتند؛ اینها رنگ خاصی داشتند، آنها هم رنگ خاصی داشتند؛ نزاعی بین اینها نبود، دعوایی نشد، یقه همدیگر را نگرفتند، به همدیگر فحاشی نکردند، هرکسی به نفع کاندید مورد نظر خودش شعار داد. این همه اجتماعات بزرگ ۱۰ هزار نفری، ۲۰ هزار نفری، جوان، دختر، پسر، همه در سراسر کشور جمع شدند، هیچ کس هنجار شکنی نکرد. این قدرت ایمان، هوشیاری و پیشرفت جوان‌های ماست؛ یعنی انقلاب ما دارد به سن چهل سالگی می‌رسد؛ یعنی الان سال ۸۴ نیست، سال ۸۸ نیست، سال ۷۸ نیست، سال ۹۶ است و نشان دادیم که به ۴۰ سالگی رسیده ایم؛ به آن رشدی رسیده ایم که قرآن و روایات ما در آن سن با ما سخن می‌گویند.

در این شرایط بسیار خوب بعد از انتخابات، از نو بیاییم رقابت انتخابات را بازخوانی کنیم؟ کدام عقل سلیم این را می‌گوید که از نو شروع کنیم؟ رقابت انتخاباتی مال دوران انتخابات است، تبلیغات انتخاباتی مال دوران انتخابات است. حالا هر انتخاباتی هم ممکن است در گوشه اش نقصی، ایرادی و مشکلی داشته باشد. هیچ کدام از ما معصوم نیستیم؛ اما مردم ما با رشادت، شهامت و نشاط به صحنه آمدند. مردم کار خودشان را به خوبی و به احسن وجه انجام دادند. امروز نوبت ماست، امروز نوبت ما مسئولین است.

مشکلاتی که امروز در پیش روی ماست، مشکلات دولت دوازدهم نخواهد بود، مشکلات نظام ماست، مشکلات کشور ماست، مشکلات ملت ماست. اگر ما مشکل زیست محیطی داشتیم، اگر گرد و غبار زندگی عادی مردم را فلج کرد، اگر هوای آلوده سلامت مردم را تهدید کرد، اگر کمبود آب زندگی مردم را در فشار قرار داد، اگر بیکاری به خانواده‌ها فشار وارد آورد و اگر فقر و مشکلات اقتصادی معیشت مردم را دچار مشکل کرد، اینها مشکلات دولت دوازدهم است یا مشکلات ملت ماست؟ مشکلات نظام ما و همه ماست.

البته که دشمنان ما نمی‌خواهند ما با هم متحد باشیم. البته دشمنان ما از هر چیز جزئی و از هر گاهی کوه می‌سازند؛ اینها برای ما روشن است. چه زمان بوده که آنها خواسته اند ما در مسیر پیشرفت باشیم؟

البته ما جنگ ۸ ساله داشتیم، تحریم ۱۰ ساله داشتیم، در این کشور مشکلات داشتیم، ولی باید بتوانیم جبران کنیم. دشمنان ما از روز اول می‌خواستند انقلاب و نظام ما استقرار پیدا نکند و اگر پیدا کرد، نظامی قدرتمند نباشد تا نتواند برای دیگران الگو شود و خدای ناکرده مردم ما از این نظام و حکومت ناراضی باشند و احساس کمبود کنند.

کشورهای هم سن و سال ما را در شرق آسیا ببینید؛ کشورهایی که با هم بودیم. سال اول انقلاب و سال ۵۸ را نگاه کنید که در کنار هم بودیم. مالزی کجا بوده؟ کره جنوبی کجا بوده؟ ترکیه کجا بوده؟ و همه این کشورهایی که در اطراف ما هستند؛ ما کشورهایی هستیم که از لحاظ توسعه تقریباً هم سن و سال هستیم و از یک زمان شروع کردیم. قبول است که ما جنگ داشتیم، آنها نداشتند؛ تحریم داشتیم، آنها نداشتند؛ اینها سر جای خودش درست است، اما آیا ما قادر نیستیم که به آنها برسیم و از آنها عبور کنیم؟ ما ملت بزرگی هستیم و دارای استعداد فراوان، سرمایه‌های بزرگ و دینی هستیم که برای جهاد و تلاش به ما انگیزه می‌دهد.

ما دارای کشوری هستیم که قوه قضائیه ما می‌تواند به کشور ما امنیت کافی برای اقتصاد، سرمایه گذاری و رونق اقتصاد بدهد. من هیچ وقت راضی نیستم که کسانی بخواهند یک فرد یا یک شعبه را با کل کشور مقایسه کنند، با این همه

قضات فرهیخته، کارکنان دستگاه قضا که شبانه روز تلاش می‌کنند و بار سنگینی بر دوش آنهاست و خدمت بزرگی دارند به کشور می‌کنند. قوه قضائیه ای که افتخارش اجرای احکام دین است، و من لم یحکم بما انزل الله صادق نیست، حکم به ما انزل الله می‌کند. جامعه ای که آماده برای [اجرای] قسط است.

درست است که قوه قضائیه ما بیشترین بار را برای اجرای عدالت بر دوش دارد و همان عبارت قبلی که به جای قوه قضائیه، عدلیه می‌گفتند، شاید پرمعنا تر بود. برای ما عدل مهم است و همه به سراغ دادگستری تحت عنوان نام عدلیه می‌رفتند؛ اما در عین حال قرآن و اسلام، همه انبیا و کتب آسمانی به ما می‌گویند که میزان و معیار سنجش حق و باطل، همه برای این است که ملت برای قسط قیام کند: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان و عجیب است با آنکه کتاب خودش هم میزان است، تأکید بر میزان می‌کند: الکتاب و المیزان؛ گاهی هم میزان می‌تواند وجدان و وجدان عمومی جامعه باشد؛ ليقوم الناس بالقسط .

آنهایی که باید قسط و عدل را استقرار ببخشند ملت و مردم اند. ما با کمک مردم می‌توانیم عدل و داد را مستقر بکنیم؛ ضمن اینکه بار بسیار سنگینی از این بخش عدالت بر دوش قوه قضائیه است و همه ما موظفیم که قوه قضائیه را کمک کنیم. اگر یکی از وظایف رئیس جمهور اجرای قانون اساسی است؛ بخشی از این قانون اساسی که باید اجرا شود، قوه قضائیه و اصولی است که مربوط به قوه قضائیه است. اگر رئیس جمهور نسبت به دولت و بخش اجرا دغدغه خاطر دارد و باید قانون اساسی را اجرا کند، نسبت به قوه قضائیه هم همان دغدغه را باید داشته باشد، چون آن هم جزو اصول قانون اساسی است و رئیس جمهور مسئول اجراست و اگر در اصلی از قانون اساسی نقصی ببیند، در اجرا مشکلی ببیند، باید به صحنه بیاید و در کنار قوای دیگر قرار بگیرد.

تردید ندارم که امروز اگر سه قوه کشور تحت فرامین مقام معظم رهبری بیش از گذشته در کنار هم بگیریم، البته در چهار سال گذشته تلاش ما این بوده که در کنار هم باشیم؛ ممکن است از همه انرژی حداکثر استفاده نشود، اما در عین حال هیچ وقت قوه مجریه دنبال تخریب قوه قضائیه نبوده، قوه قضائیه دنبال تخریب قوه اجرائیه نبوده، قوه مقننه دنبال تخریب دو قوه دیگر نبوده، اما ما باید کار بالاتری انجام دهیم. همین که می‌گوییم مستقل که کافی نیست. قوه قضائیه مستقل، خیلی خوب؛ قوه اجرائیه هم مستقل. مستقل به معنی دیوار کشیدن بین دو قوه نیست. مستقل به این معناست که قوه قضائیه مستقل است، قاضی هم برای انشا و فهم حکمش مستقل است، او مستقلاً قانون را می‌فهمد و تفسیر می‌کند و حکم صادر می‌کند، اما در عین حال مستقل معنی اش این نیست که همدیگر را یاری و کمک نکنیم و با هم تعامل نداشته باشیم.

در سیاست داخلی و سیاست خارجی، مخصوصاً در بخش اقتصاد، نمی‌شود به اینکه مسائلمان را چگونه باید حل و فصل کنیم، توجه نداشته باشیم. همشه این چنین بوده که اگر توانستیم در سیاست خارجی کاری کنیم که خصم و بدخواه ما تنها بماند، این بهتر است یا به گونه ای رفتار کنیم که دیگران هم کنار آن کسی بروند که خصم و دشمن ماست و یاورش شوند؟ کدام بهتر است؟

ما که بنا نیست به دشمن کمک کنیم. دشمن دنبال این است که در منطقه خاورمیانه صلح، ثبات و توسعه نباشد و جنگ باشد، او هم از فروش اسلحه استفاده کند و هم بهانه ای برای افزایش مداخلات خودش داشته باشد. این کار خصم است. ما به دنبال چه هستیم؟ ما به دنبال صلح و ثبات در این منطقه، کوتاه کردن دست دشمن و گرفتن بهانه از دست دشمن هستیم. ما به دست دشمن بهانه بدهیم یا بهانه را از او بگیریم؟

دوگانه می‌شود رفتار کرد. ما کاری کنیم و سیاست خارجی ای داشته باشیم که اگر امریکا خواست در برابر ما بایستد، بلافاصله اروپا هم در کنارش باشد، بلافاصله چین و روسیه هم در کنارش باشند یا به گونه ای رفتار کنیم که اگر امریکا خواست رو به روی ما بایستد، قدرت‌های دیگر او را محکوم کنند و مورد سرزنش قرار دهند؟ ما می‌خواهیم اگر امریکا در شورای امنیت سازمان ملل حرفی می‌زند، ۱۴ عضو دیگر هم فوری آن را تأیید کنند و می‌خواهیم برای امریکا اتفاق آرا درست کنیم یا می‌خواهیم اگر امریکا ادعایی کرد ۱۴ کشور دیگر رأی منفی یا ممتنع بدهند؟

چند روز پیش که امریکا در شورای امنیت سازمان ملل راجع به قطعنامه ۲۲۳۱ و موشک‌های ایران حرف زد، آیا کسی بود که امریکا را حمایت کند؟ نه اروپا قبول کرد، نه چین، نه روسیه و نه بقیه کشورها قبول کردند. زمانی هم بود که هرچه امریکا راجع به ما ادعا می‌کرد، ۱۴ رأی دیگر را هم قطعی کنار خودش داشت.

ما نباید بگذاریم امریکا بسط ید پیدا کند. ما نباید بگذاریم امریکایی‌ها قدرتمند شوند. ما نباید بهانه در اختیار آنها قرار بدهیم. ممکن است در جایی امریکا علیه برجام درست عمل نکند یا تخلف کند یا حتی موردی را نقض کند، اگر امریکا نقض کرد و روسیه گفت احسنت، چین، گفت بارک الله، اروپا گفت دست شما درد نکند، این خوب است یا اگر امریکا خواست تخلفی کند، هم اروپا با آن مخالفت کند، هم چین و هم روسیه مخالفت کنند و هم بقیه کشورهای اتحادیه اروپا مخالفت کنند؟ ما از چه ناراحت هستیم؟ از تنهایی امریکا ناراحت هستیم؟ از انزوای امریکا ناراحت هستیم؟

امروز دولت یازدهم با رهنمودهای مقام معظم رهبری، با حضور مردم و با کمک قوای دیگر به نقطه ای رسیده که تحریم‌های هسته ای را برداشته. امروز ما تحریم هسته ای نداریم، تحریم‌های هسته ای برداشته شده است. ممکن است امریکایی‌ها در بعضی از جاها تخلف و کوتاهی کنند، البته آنها همیشه ما را تحریم کرده بودند و از بعد از انقلاب تا کنون هیچ وقت در تعامل با امریکا نبوده ایم، اما امروز می‌بینیم که در همین داستان فشار به بانک‌ها و موضوع - که اخیراً اجلاس آن بوده امریکایی‌ها، اسرائیلی‌ها و عربستانی‌ها رو به روی ایران بودند و تمام اروپا پشت ایران بود، روسیه و چین کنار ایران بودند، بسیاری از کشورهای افریقایی و آسیایی کنار ایران بودند. این خوب است که امریکا در یک مجمع تقریباً بین المللی، خودش و اسرائیل و عربستان بماند یا ما کاری کنیم که همه اروپا، چین، روسیه و همه پشت سر امریکا بروند؟

معنی انقلابی بودن این است که امریکا را منزوی کنیم. معنی انقلابی بودن این است که با بیانی با دنیا حرف بزنیم که دنیا بتواند سخن ما را درک و قبول کند و بفهمد. حتی در زمینه‌های بسیار سختی مثل حقوق بشر قادریم بهانه‌ها را از دست غربی‌ها بگیریم. البته موضوعی را که سال‌ها و ده‌ها سال است علیه ما توطئه می‌شود، یک روزه نمی‌شود حل کرد ولی می‌شود قدم به قدم بهانه‌ها را کم کرد.

لااقل قانون خودمان را اجرا کنیم. لااقل اسلام خودمان را اجرا کنیم. اسلام به ما اجازه نمی‌دهد اگر مجرمی جرمی کرده، بیش از حد مجازاتی که برای آن جرم مشخص شده، طرف را تحت فشار قرار بدهیم. ما حق نداریم آبروی مردم را بریزیم. ما حق نداریم بدون ادله کافی کسی را احضار کنیم. ما حق نداریم برون ادله کافی کسی را جلب کنیم. اول باید ادله کافی برای توجه اتهام به متهم باشد.

ادله باید باشد تا احضار کنیم، نه اینکه احضارش کنیم تا ادله به دست بیاوریم. این هم یک جور داستانی است! آن مقداری که ما حقوق خواندیم، اینها را نفهمیدیم. اول باید ادله باشد تا طرف را احضار کنیم، نه اینکه طرف را احضار کنیم تا ادله زاییده شود. ادله باید باشد، ادله باید به اندازه کافی باشد. این حکم قانون اساسی ماست. ضابط باید ضابط باشد و



نه بیش از ضابط. ضابط قوه قضاییه است. نمی‌تواند بیش از ۲۴ ساعت بدون حکم قاضی، متهم را به هر دلیلی نگه دارد. ما نباید بگذاریم در این قوه قضاییه بزرگ و با عظمت ما که این همه دارد به کشور خدمت می‌کند، به خاطر یک نقص کوچک خدای ناکرده زحمات بزرگ این همه عزیزان و فداکاران [ نادیده گرفته شود. ] من می‌فهمم رفتن در دستگاه قضا فداکاری می‌خواهد. آدم باید تحمل کند، حوصله کند. من چند بار به قوه قضاییه دعوت شدم و هرچند این تعبیر تعبير قشنگی نیست ولی بگویم که ترسیدم به قوه قضاییه بروم؛ هم قبل از انقلاب هم بعد از انقلاب، هیچ موقع جرئت نکردم به دستگاه قضا بروم. کار سختی است، بار سنگینی بر دوش قاضی است، چه قاضی نشسته، چه قاضی ایستاده، چه زحماتی که کارکنان دستگاه قضا می‌کشند.

روشن است که این کار کار سخت و مشکلی است، اما نباید بگذاریم در جای کوچکی به خاطر نقصی، کسی فکر کند که حکم برای قاضی نفع دارد. حکم محکومیت و حکم برائت باید برای قاضی یکسان باشد و حتی حتی الامکان به برائت برسد؛ آنجایی که دلیل کافی نیست. دلیل ضعیف است، اصل برائت که هست. آن بنده خدا اخیراً گفت بیل به کمر اصل برائت خورده است؛ حالا ما که قبول نداریم، بیل به کمر اصل برائت نخورده، هست، زنده و فعال است. ما دنبال این هستیم که اصل برائت باشد، حالا اگر ادله کافی از آن طرف پیدا شد، حرف دیگری است، به هر حال آنجا باید حکم قانون اجرا شود.

اگر یک وقتی بین دو نفر در محکمه، محکومیت یکی بر دیگری به دلیل قومیت، مذهب و تمایلات سیاسی و حزبی برای قاضی فرق کند، آن قضاوت مورد تردید است. قاضی بی طرف یعنی بی طرف. جناح راست و چپ نداریم. کرد و ترک و بلوچ و فارس و عرب و ترکمن نداریم. شیعه و سنی نداریم. مسیحی و مسلمان نداریم. این قانون اساسی ماست که تمام افراد ملت در برابر قانون مساوی هستند؛ تساوی در برابر قانون.

حالا اگر خدای ناکرده ضابط ما حزبی شد؛ ان شا الله که ما ضابط حزبی نداریم، چون امام (ره) در وصیت نامه خودشان به صراحت فرمود که ارتش و نیروی انتظامی البته آنجا شهربانی و ژاندارمری و... هم هست حالا بگوییم در اصطلاح امروز نیروی انتظامی و سپاه و بسیج و همه اینها حق ورود در امور حزبی و دسته‌بندی‌های سیاسی ندارند؛ این متن وصیت نامه امام(ره) است. آنجا تشریح هم کرده و گفته چرا، دلایلش را هم گفته. ضابطین ما معمولاً اینها هستند دیگر، یا وزارت اطلاعات است یا نیروی انتظامی است. اگر ضابط ما در یک پرونده منتفع بشود، آنجا افکار عمومی بی طرفی را مورد تردید قرار می‌دهد. قاضی که همه کار را نمی‌کند، بخش بزرگی از پرونده را همین ضابطین درست می‌کنند، ضابطین پرونده را آماده می‌کنند، بخشی از پرونده را کارشناس‌ها آماده می‌کنند. این نیست که همه چیز دست قاضی باشد، قاضی بر مبنای محتویات پرونده بررسی می‌کند و قضاوت می‌کند.

خیلی مهم است که هم قاضی و هم ضابط و در تمام مراحل قضایی، به خاطر حزب یا جناح کسی منتفع نشود؛ من در دلم می‌گویم این یکی که از حزب من است، بلکه ان شا الله این موفق شود، آن که نیست شکست بخورد؛ البته چنین چیزی نیست اما در دل آدم هم خطور کند، مسئله است.

ما در شرایط امروز باید با دستگاه قضایی مستقل و بی طرف در کنار هم به فکر ساختن ایرانی آباد باشیم؛ آبادتر از گذشته، یک بخش بزرگ آن هم بخش اقتصاد است که همه ما هم تأکید داریم که مشکل اقتصاد امروز یک مشکل بزرگ در کشور ماست و قوه قضاییه می‌تواند به ما در بخش اقتصاد، در بخش محیط زیست و در بخش آب کمک کند با هم و در کنار هم با فساد مبارزه کنیم. با هم و در کنار هم برای شفافیت تلاش کنیم، برای دولت الکترونیک تلاش

کنیم، بگذاریم همه چیز به طور شفاف در اختیار مردم باشد.

البته دستگاه قضایی را دستگاه نظارتی خود را دارد؛ در قانون اساسی حتی دیوان عالی به نوعی بر همه دادگاهها نظارت دارد؛ اما در عین حال بگذاریم دادنامه‌های ما در معرض بحث قرار بگیرد. امروز بخشی از دادنامه‌های ما به عنوان افتخار قوه قضاییه در دانشگاه‌ها و فضای مجازی دست به دست می‌چرخد. قاضی جوان دانشمندی که واقعاً آدم وقتی مقدمه و صدر دادنامه را می‌خواند، افتخار می‌کند که آدمی تحصیل کرده، فهمیده و مسلط به حقوق، همه جوانب را در نظر گرفته. بگذاریم این دادنامه در روزنامه بیاید، آن موردی که امکان دارد. بگذاریم عده‌ای اظهار نظر کنند، اساتید حقوق و دانشجوی حقوق اظهار نظر کند، طوری نمی‌شود.

همه دستگاه‌ها، همه ما باید در برابر مردم با شفافیت عمل کنیم و پاسخگو باشیم و چرا قوه قضاییه این کار را نکند و چرا رسانه‌ها به کمک همه ما از ما با انتقاد سازنده پیش نیایند؛ چه قوه مجریه، چه قوه قضاییه، چه مقننه، فرقی نمی‌کند، در کنار هم باشیم.

من امیدوارم در دولت آینده (دولت دوازدهم) بتوانیم از قوه قضاییه بهره بیشتری بگیریم. در رأس قوه قضاییه حضرت آیت الله آملی لاریجانی است، اندیشمند فرهیخته‌ای که هم به فقه مسلط است و هم به مقتضیات زمان امروز ما مسلط است، خب ما به راحتی می‌توانیم با توجه به شرایط روز، با داشتن اجتهاد پویا و با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان به تعبیر حضرت امام (ره)، لوایح قوی‌تر و بهتری به کمک هم تهیه کنیم؛ در کنار آن لوایح بتوانیم اعتماد عمومی مردم را بیشتر جلب کنیم، کار دستگاه قضا را ساده‌تر کنیم و تعداد پرونده‌های دستگاه قضا را کم کنیم.

من در جایی خواندم در یکی از کشورها شرایط دستگاه قضایی آن به گونه‌ای است که گاهی ناچار می‌شوند در بعضی از هفته‌ها یکی دو روز تعطیل کنند، می‌گویند کاری نداریم. می‌شود یک روزی ما به این نقطه برسیم که هفته‌ای یک روز چون دستگاه قضا کاری ندارد، تعطیل کنیم؛ این کار شدنی است، کار سختی است ولی شدنی است، به شرط اینکه بخشی از کار قضا را به دستگاه‌های دیگر واگذار کنیم؛ آنها بیایند، داورها بیایند، اتاق‌های داورها تشکیل بشود، اینها هم اگر لوایح می‌خواهد در کنار هم تشکیل بدهیم، بتوانیم آن لوایح را تنظیم کنیم، وزیر دادگستری می‌تواند نقش بسیار خوبی بین دو قوه داشته باشد، در واقع وزیر دادگستری رابط بین دو قوه و سه قوه است. از خود قوه قضاییه، رئیس محترم قوه قضاییه می‌تواند فردی را مشخص بکند و خود رؤسای قوا می‌توانند جلسات بیشتری داشته باشند تا بتوانیم شرایطی را فراهم بکنیم که مردم خوشحال‌تر بشوند، کشور ما در مسیر پیشرفت و امنیت بیشتری قرار بگیرد و ان‌شالله ولی عصر امام زمان (عج) از همه ما خشنود و راضی شوند؛ در سایه تلاش، کوشش، هماهنگی، هم‌فکری و هم‌افزایی؛ ان‌شالله.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته